

آینده اصلاحات همین است که بوده

گفت‌وگو با: سعید حجاریان

ضمیمه اعتماد، ش ۱۸۴۳، ۱۳۸۷/۹/۲۳

چکیده: آقای حجاریان در این گفت‌وگو، ابتدا تعریفی از اصلاحات ارائه می‌دهد و معتقد است، در زمان حال، پروژه اصلاحات فرصت‌های جدیدی دارد که می‌تواند خود را باز یافته و احیا نماید. ایشان در ادامه به بررسی عملکرد دولت نهم می‌پردازد و بانقدهایی به اصول‌گرایان، این گفت‌وگو را پایان می‌دهد.

○ جناب آقای حجاریان، درک شما نسبت به اصلاحات و امکان تحقق آن در حال حاضر، نسبت به یک دهه پیش چه تفاوت‌هایی کرده است؟

● موضوع اصلاحات برای من مساوی است با «پروژه‌ای هدفمند و برنامه‌ریزی شده، برای دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی». اصلاحات پروسه نیست، پروژه‌ای اندیشیده، معطوف به هدف و برنامه‌دار است و هدفش هم دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی است، نه رفتار دولتمردان یا جابه‌جایی آنها.

ده سال پیش جنبشی به اسم «دوم خرداد» وجود داشت که این پروژه را با قدرت و شدت بیشتری پیش می‌برد، اما اکنون آن جنبش وجود ندارد. ثانیاً آن زمان شائبه درباره تعریف اصلاحات کم بود. الان زیاد شده است. در حال حاضر برخی افراد درباره اصلاحات، تعاریفی ارائه می‌دهند که مفهوم اصلاحات را از درون تهی کرده‌اند. ثالثاً در آن زمان موقعیت منطقه ما میلیتاریزه نبود، اما الان میلیتاریزه شده و در این شرایط امکان اصلاحات پایین

بازتاب اندیشه ۱۰۵

۱۶

آینده اصلاحات
همین است
که بوده

می‌آید. منطقه الان کاملاً جنگی شده و این برای اصلاحات مانعی جدی است. رابعاً آن موقع نهادهای مدنی تا حدودی فعال بودند، اما الان نهادهای مدنی قدرتمندی وجود ندارد. حتی نهاد بازار و نهاد روحانیت در حال حاضر، تضعیف شده‌اند. وجود این موانع سرعت کار را پایین می‌آورد.

○ اکنون از چه فرصت‌هایی برخوردار است که بتوان به پیروزی‌اش امیدوار بود؟

● الان فرصت‌های جدیدی داریم. یکی این‌که تا حدودی گفتمان اصلاحات جا افتاده است. آن موقع در میان نخبگان بود. الان کم‌کم توده‌گیر شده است. دوم این‌که اصلاحات آن موقع تجربه‌ای مثل دولت نهم نداشت، ولی الان دارد و این برایش مفید است و فرصت خوبی برایش به شمار می‌رود. سوم این‌که آن موقع همه نیروها در مقابل اصلاحات بودند، الان فقط عده‌قلیلی در مقابل اصلاحات قرار دارند. خیلی از نیروهایی که قبلاً مقابل اصلاحات بودند، کم‌کم متوجه شدند که باید به طرف اصلاحات بیایند یا نظرشان را درباره اصلاحات تعدیل کنند. خود گفتمان ما نیز چکش خورده و صیقل پیدا کرده است.

○ طبق نظر شما اگر نهادهای مدنی وجود نداشته باشند، زمین سیاست، لغزنده و زلزله‌خیز می‌شود. آیا حتماً اصلاح طلبان باید به قدرت برسند تا نهادهای مدنی ایجاد شوند و اگر از دولت خارج شوند، ما چیزی به اسم نهادهای مدنی نخواهیم داشت؟

● الزاماً نه. اصلاح طلبان می‌توانند خارج از قدرت هم، به تقویت نهادهای مدنی کمک کنند. مانند اخوان المسلمین در مصر؛ یا اسلام‌گرایان ترکیه که بیست سال پیش قدرت نداشتند، اما در جامعه حضور داشتند.

○ طبق فرموده شما، نهادهای مدنی در سال‌های اخیر از بین رفتند. آیا این به خاطر قدرت رقیب بوده یا ضعف اصلاح طلبان؟

● هر دو. هم قدرت فعلی سعی کرده هر نوع صدایی از جانب روزنامه، نهادها، سندیکاها، جنبش‌های مختلف مثل جنبش زنان، دانشجویان و... را ساکت کند. در عوض به خودش سازمان دهد، پول نفت هم داشته، خرج هم کرده و به صورت بادکنکی، نهادهایی را به وجود آورده است؛ اما از آن طرف، خود اصلاح طلبان هم کم و بیش کوتاهی کردند، چرا که نتوانستند با شوق و ذوق در درون مردم کار کنند؛ چون قبلاً کارشان بیشتر در دولت و مجلس بوده است.

○ آیا رقیبی که امروز دارید، همان رقیب ده سال پیش است؟ هر چند اشاره کردید که برخی از

اصول‌گرایان که قبلاً مخالف اصلاحات بودند، الان نظرشان تعدیل شده، اما در روزهای اخیر، برخی از آنها صراحتاً اعلام کرده‌اند که خط قرمزشان رئیس‌جمهور شدن یک اصلاح طلب است، در حالی که در گذشته چنین خط قرمزی نداشتند.

● اصول‌گرایان یک پیکر واحد نیستند، بلکه الان می‌شود گفت بالکانیزه شده‌اند؛ یعنی مثل بالکان که تجزیه شده به بوسنی، صربستان، مونته‌نگرو و... اصول‌گرایان هم بالکانیزه شدند. بعضی از آنها به ما نزدیک‌ترند و برخی هم دورترند. بعضی شعار وحدت طرح می‌دهند، یک عده‌ای هم کاملاً با آن مخالفت می‌کنند و آن را توطئه آمریکا و اسرائیل می‌دانند.

○ چه اتفاقی می‌افتاد شما الان به من نمی‌گفتید که جز اصلاحات [درون حکومتی] راه دیگری را نمی‌شناسم؟

● سؤال مهمی است. اصلاحات یک پروژه نسبتاً محافظه کارانه است و اصلاً رادیکال نیست. لذا اول باید ثابت کرد نظام اصلاح‌پذیر است یا خیر. اگر نظام اصلاح‌پذیر باشد، اصلاحات معنا دارد. حالا سوال این است که نظام جمهوری اسلامی اصلاح‌پذیر است یا خیر؟ این را از کجا باید فهمید؟

○ از آنجا که آیا به اصلاح طلبان اجازه کسب قدرت و ورود به حوزه قدرت را می‌دهد یا نه؟

● موضوع کاملاً دو طرفه است. این که چقدر مردم طالب اصلاحاتند و چقدر برای انجام اصلاحات فشار می‌آورند. مردم هم کم و بیش فعالند. تازمانی که وضع بدتر از این نشده، باید دست به اصلاحات بزنیم.

○ مردم در غیاب نهادهای مدنی، چگونه باید برای اصلاحات فشار بیاورند؟ آیا در اینجا هم همان رأی‌های تکی و انفرادی را باید به معنای اهرم فشار فرض کنیم؟

● الان توانایی دولت با نفت ۳۵ دلار پایین آمده است. پول کارمندان خود را نمی‌تواند بدهد. قرار بود طرح تحول اقتصادی را به مجلس ببرد، اما نبرد، برای این که کارآمدی ندارد. ثانیاً دولت ما کاملاً پراگماتیست است و فقط ادعا دارد که ایدئولوژیک است.

● اشاره

بازتاب اندیشه ۱۰۵

۱۸

آینده اصلاحات
همین است
که بوده

نجلعلی غلامی

مطالبی که آقای حجاریان در این گفت‌وگو مطرح نموده‌اند، نیازمند تذکراتی است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱. به نظر می‌رسد این گفت‌وگو، مبتنی بر معیارهای علمی نیست. آقای حجاریان در این

گفت وگو مواردی را به دولت نهم و اصول‌گرایان نسبت داده است، بدون آن‌که در صدد اثبات ادعاهای خود باشد. به‌عنوان نمونه، تضعیف نهادهای مدنی در دولت نهم، پراگماتیست بودن آن، پرولتاریا خواندن حامیان دولت، ناکارآمدی دولت در امور اقتصادی، بالکانباز و تجزیه شدن اصول‌گرایان و مواردی از این دست. واقعیت این است که هر یک از این مباحث فوق، نیازمند بررسی دقیق و کارشناسانه‌اند و شایسته نیست که این‌گونه مباحث اندیشه‌ای و مسائل اجرایی و اقتصادی دولت، که بر اساس آمار و ارقام مورد قضاوت قرار می‌گیرد، در قالب یک‌سری مسائل کلی و ادعاهای بدون دلیل مطرح شود.

۲. آقای حجاریان اصلاحات را پروژه‌ای هدفمند و برنامه‌ریزی شده برای دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی تلقی می‌کند. واقعیت این است که، این برداشت از اصلاحات، با آنچه در نظام اسلامی از اصلاح و اصلاح‌گری تعریف می‌شود، هماهنگی ندارد؛ زیرا اصلاح در اندیشه ناب دینی و شیعی آرمان‌گرا، مبتنی بر یقین و ایمان است و در تعریف آقای حجاریان از اصلاحات، چنین مؤلفه‌هایی به چشم نمی‌خورد. رفرمیسم و اصلاحاتی که مورد نظر ایشان است، در چارچوب اندیشه سیاسی غرب، به لحاظ جایگاه تاریخی و اجتماعی خود، مصداق پیدا می‌کند، اما این جریان در غرب، به این لحاظ حرکتی، اصلاحی است که به سرمشق‌ها و اصول موضوعه و ساختار کلان اجتماعی جامعه غرب وفادار است و اهداف خود را که عاری از هر نوع آرمان‌گرایی و مقابله با معنویت‌گرایی در سیاست است، در قالب همان نظام جست‌وجو می‌کند. اما اگر همین اندیشه در جامعه‌ای تعقیب شود که از یک فرهنگ دینی برخوردار است و در آن علاوه بر عقل‌ابزاری که لازمه زندگی بشری است، عقلانیت متافیزیکی و بلکه وحی نیز حضور زنده و فعال دارد، خصوصاً اگر به جامعه‌ای وارد شود که بر اساس آرمان‌های چنین فرهنگی نظام اجتماعی خود را سامان داده باشد، عملکرد آن در چنین وضعیتی هرگز عملکردی رفرمیستی و اصلاح طلبانه نمی‌تواند باشد؛ بلکه عملی رادیکال و انقلابی و به بیانی دیگر حرکتی براندازانه خواهد بود. این حرکت نه تنها باید با ساختاری که انقلاب اسلامی ایران در قانون اساسی خود تعبیه کرده است مقابله کند، بلکه باید با فرهنگی که در دل و جان مردم ریشه دوانده و با اعتقاد و ایمان آنان در آمیخته است، درگیر شود. لذا ما شاهد رخ دادن چنین عملکردی در بدنه اصلاح‌طلبان افراطی هستیم. زیر سؤال بردن نظام ولایتی که مبنای آن قانون اساسی است. (همچون به ولایت فقیه، که ستون خیمه انقلاب محسوب می‌شود) و همچنین زیر سؤال بردن اعتقادات مردم، مثل تشکیک در قیام امام حسین علیه السلام و خشونت‌آمیز خواندن آن و سایر اشکالات، دقیقاً در قالب این پروسه قابل بازخوانی است. بر همین اساس، نیروهای اصیل و مدافع حقیقی انقلاب اسلامی، با مشاهده چنین برداشتی

بازتاب اندیشه ۱۰۵
 آینده اصلاحات
 همین است
 که بوده

از اصلاحات، صف خود را از افراطیون جدا نمودند و به همین جهت ما شاهد یک نوع شکاف عقیدتی در بدنه اصلاح طلبان هستیم.

واقعیت امر این است که مردم با این تصور که، اصلاحات منظور نظر اصلاح طلبان، ریشه در اندیشه‌های ناب شیعی دارد، به آنان اقبال نشان دادند و هنگامی که به کنه مقاصد و باورهای آنها پی بردند، بی رغبتی هدفمندی را به سوی اصلاح طلبان نشان دادند.

۳. ایشان در قسمتی از این گفت‌وگو مطرح می‌کند که، در حال حاضر، نهاد روحانیت تضعیف شده است! در حالی که مراد ایشان از تضعیف روحانیت، مشخص نیست چه کسی یا چه ارگانی، نهاد روحانیت را تضعیف کرده است؟ نهاد روحانیت در چه حوزه‌ای تضعیف شده است؟ اهداف تضعیف کنندگان چه بوده است؟ به هر حال به نظر می‌رسد این ادعای ایشان، با واقعیت جامعه ناسازگار است؛ بلکه امروزه روحانیت با توجه به اصالت و نفوذ معنوی خود، همچنان به عنوان مؤثرترین نیرو در سطح جامعه مطرح است و ریشه بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی در قم و با هدایت‌گری روحانیت کلید می‌خورد که این مطلب حاکی از بالندگی روحانیت است. اقبال وسیع و پرمعنای جوانان و حتی دانشجویان به روحانیت و حوزه‌های علمیه، نشانی دیگر بر اعتبار روز افزون روحانیت در جامعه است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بان تاب اندیشه ۱۰۵

۲۰

آینده اصلاحات
همین است
که بوده